

تحلیل مفهوم و معیارهای توقف بانک‌ها در حقوق آمریکا و ایران

خدیدجه شیروانی*

محمد عبسائی تفرشی**

DOI: 10.22096/law.2022.115408.1555

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸]

چکیده

در مفهوم حقوقی، «توقف» به این معناست که مدیون در سررسید دین، صرف‌نظر از ارزش اموال و دارایی‌ها و مسئولیت‌هایش، قادر به پرداخت دیونش نباشد. در حقوق آمریکا، مقررات و معیارهای توقف بانک‌ها با مقررات توقف شرکت‌های تجاری متفاوت است. درباره بانک‌ها، ناظران منتظر نمی‌مانند که بانک، بر اساس آنچه در حقوق ورشکستگی شرکت‌ها رایج است، قادر به ایفای دیون خود نباشد تا آن را ورشکست اعلام کنند و با توجه به معیارهایی که قانون ارائه داده است، ورشکستگی بانک را اعلام می‌کنند. در مقابل، در حقوق ایران با توجه به سکوت قانون پولی و بانکی کشور، مفهوم و معیارهای توقف که بر تجار و دیگر اشخاص حقوقی حاکم است، بر بانک‌ها نیز اعمال می‌شود، اما قانون‌گذار ایران با توجه به جایگاه ویژه بانک‌ها در اقتصاد کشور، باید مفهوم توقف را برای بانک‌ها به نحوی تبیین کند که پیش از اینکه بانک از ادای دیونش ناتوان شود، ناظران بتوانند درباره ورشکستگی‌اش تصمیم‌گیری کنند.

واژگان کلیدی: توقف؛ بانک؛ توقف نقدینگی؛ توقف ترازنامه‌ای؛ توقف قانونی.

* استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، سمنان، ایران. «نویسنده مسئول»

Email: shirvani@yahoo.com

** استاد بازنشسته گروه حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Email: Tafreshi@modares.ac.ir



مقدمه

توقف بانک‌ها از جمله موضوعات پیچیده حقوق ورشکستگی است؛ چراکه بانک‌ها با دیگر شرکت‌های تجاری تفاوت‌های اساسی دارند؛ از جمله اینکه این بنگاه‌های اقتصادی تأمین‌کننده نقدینگی کشور هستند و کم‌وبیش همه اشخاصی که در کشور زندگی می‌کنند از خدمات بانک‌ها استفاده می‌کنند؛ بنابراین بانک‌ها با شمار فراوانی از مشتریان مواجه‌اند. همین تفاوت‌ها باعث شده است که بیشتر نظام‌های حقوقی تعریفی متفاوت از توقف برای بانک‌ها نسبت به شرکت‌ها داشته باشند و در نتیجه، افزون بر معیارهایی که برای تشخیص توقف شرکت‌ها در نظر گرفته شده است، از معیارهای دیگری متناسب با اهمیت و نقش بانک‌ها در اقتصاد استفاده کنند. آمریکا از جمله کشورهایی است که هرچند برای اعلام توقف بانک‌ها معیارهای ترازنامه و جریان نقدینگی را هم مدنظر قرار می‌دهد، اما به‌طور کلی چندین معیار برای این امر در نظر می‌گیرد و ناظران ملزم نیستند منتظر بمانند که بانک به معنای واقعی، بر اساس آنچه در حقوق ورشکستگی شرکت‌ها رایج است، قادر به ایفای دیون خود نباشد تا آن را متوقف و ورشکست اعلام کنند. در مقابل، در حقوق ایران، قانون پولی و بانکی کشور (۱۳۵۱/۴/۱۸) هرچند فصلی را به ورشکستگی و انحلال بانک‌ها اختصاص داده است، اما به‌طور بسیار مختصر از آن عبور کرده است و تعریفی از توقف بانک‌ها و معیارهایی که بر اساس آن یک بانک متوقف شناخته می‌شود، ارائه نداده است. در این صورت، با توجه به ساکت بودن قانون خاص، باید به قانون تجارت در باب ورشکستگی رجوع کرد که به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت بانک‌ها در اقتصاد کشور، تکیه بر این قانون به‌هیچ‌عنوان کافی نیست. در این مقاله، نخست تعریف توقف و قانون حاکم بر توقف بانک در حقوق آمریکا و ایران بررسی می‌شود و سپس معیارهایی که بر اساس آن‌ها بانک در این دو نظام حقوقی متوقف اعلام می‌شوند، مطالعه می‌شود.

۱. مفهوم توقف و قانون حاکم بر توقف بانک‌ها

۱-۱. حقوق آمریکا

۱-۱-۱. مفهوم توقف بانک‌ها

«در مفهوم حقوقی، توقف^۱ به این معناست که مدیون در سررسید دین، صرف‌نظر از ارزش اموال و دارایی‌ها و مسئولیت‌هایش، قادر به پرداخت دیونش نباشد. همچنین، اگر ارزش دفتری اموال و دارایی‌های بنگاه اقتصادی از دیونش کم‌تر باشد، بنگاه متوقف است. افزون بر این، بانک به لحاظ اقتصادی زمانی متوقف است که ارزش بازاری اموالش از ارزش بازاری دیونش کم‌تر باشد؛ بنابراین

1. Insolvency.

تحلیل مفهوم و معیارهای توقف بانک‌ها در حقوق آمریکا و ایران / شیروانی و عیسائی تفرشی ۶۱

ارزش بازاری سرمایه آن بانک منفی می‌شود و قادر به پرداخت دیونش، از جمله سپرده سپرده‌گذاران نخواهد بود^۱. مطابق ماده ۱۸۳۱ قانون بانک‌ها و بانکداری ایالات متحده آمریکا، ذیل عنوان شرکت بیمه سپرده فدرال، «روش‌های تعیین سرمایه بانک پنج دسته است که عبارت‌اند از: سرمایه عالی،^۲ سرمایه کافی،^۳ سرمایه ناکافی،^۴ سرمایه ناکافی قابل ملاحظه،^۵ سرمایه ناکافی بحرانی^۶». همین ماده به ترتیب در تعریف این معیارها مقرر می‌دارد:

«الف. سرمایه عالی: زمانی است که سرمایه مؤسسه سپرده‌گذاری بیمه‌شده به‌طور قابل ملاحظه‌ای از حداقل میزان سرمایه مورد نیاز پیش‌تر باشد.

ب. سرمایه کافی: اگر مؤسسه سپرده‌گذاری بیمه‌شده حداقل سطح سرمایه مورد نیاز را داشته باشد، گفته می‌شود سرمایه کافی است.

ج. سرمایه ناکافی: اگر مؤسسه سپرده‌گذاری بیمه‌شده نتواند حداقل سطح سرمایه مورد نیاز را تأمین کند، مؤسسه با سرمایه ناکافی مواجه است.

د. سرمایه ناکافی قابل ملاحظه: اگر سرمایه مؤسسه سپرده‌گذاری بیمه‌شده به مقدار زیادی کم‌تر از حداقل سرمایه مورد نیاز شود، در این صورت مؤسسه با سرمایه ناکافی قابل ملاحظه مواجه است.

ه. سرمایه ناکافی بحرانی: یک مؤسسه سپرده‌گذاری در صورتی دچار سرمایه ناکافی بحرانی می‌شود که سرمایه اصلی آن به کمتر از دو درصد کل دارایی رسیده باشد».

ماده ۱۸۳۱ قانون بانک‌ها و بانکداری ایالات متحده آمریکا به‌طور گسترده درباره سرمایه ناکافی بحرانی مقرراتی را بیان کرده است. به‌موجب بند ۲ همین ماده، شیوه تعیین نسبت و میزان سرمایه در هر پنج مورد ذکر شده بر عهده نماینده بانکی فدرال است. ماده ۱۳۱ قانون اصلاح شرکت بیمه سپرده فدرال (مصوب ۱۹۹۱) بیان می‌کند که ناظران بانکی باید هنگامی که بانک دچار

1. Georg G. Kaufman, *Bank Failures, Systemic Risk, and Bank Regulation*, in *Bank Failures in the Major Trading Countries of the world: Causes and Remedies*, ed: Benton E. Gup (London: Westport, Connecticut 1998), 125.

2. Well capitalized.

3. Adequately capitalized.

4. Undercapitalized.

5. Significantly undercapitalized.

6. Critically undercapitalized.

7. Jihong Zhang, "A comparative analysis of application of bank insolvency", *Arizona Journal of International & Comparative Law* 33, no. 1 (2016): 308.

سرمایه ناکافی بحرانی شده است - که به اصطلاح ورشکست شده است - آن را ورشکست اعلام کنند. در این صورت است که بانک باید طی نود روز به وسیله ناظران در مرحله حفاظت اموال یا تصفیه، حسب مورد، قرار بگیرد.^۱ در ورشکستگی بانکها، مقررات توقف به طور کامل با مقررات توقف شرکتها متفاوت است. در این مرحله، برخلاف حقوق ورشکستگی شرکتها، دادگاه دخالتی ندارد و ماده ۱۸۲۱ قانون بانکها و بانکداری ایالات متحده آمریکا، با عنوان «اختیارات و وظایف شرکت به عنوان حافظ اموال یا مدیر تصفیه» به شرکت بیمه سپرده فدرال این اختیار را می دهد که به عنوان مدیر تصفیه، بانک را در مرحله توقف قرار دهد؛ به این معنی که دعوای یا اقداماتی را که علیه بانک ورشکسته وجود دارد از تاریخ اقدام قضایی تا نود روز متوقف کند. شرکت بیمه سپرده فدرال به این منظور باید تقاضای توقف را به دادگاه صالح ارسال کند تا دادگاه مجوز توقف را صادر کند. افزون بر این، قانون یادشده مقرر می دارد که شرکت بیمه سپرده فدرال می تواند تقاضای یک دوره توقف به مدت شصت روز از آغاز هرگونه اقدامی از جمله اقدام قضایی را که در آن شرکت مذکور جانشین بانک ورشکسته می شود، بنماید. این تقاضا باید به دادگاه صالح ارسال شود و دادگاه آن را تأیید کند.

۲-۱-۱. قانون حاکم بر توقف بانکها

قانون ورشکستگی فدرال آمریکا (۱۸۹۸) که در باب یازدهم مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا آمده است، همه گروه های اقتصادی، خواه به تجارت مشغول باشند یا نباشند را در برمی گیرد. فصل نهم قانون ورشکستگی آمریکا درباره تصفیه بدهی های شهرداری هاست. فصل دوازدهم این قانون درباره ورشکستگی کشاورزان و ماهیگیران با درآمد معین است و فصل سیزدهم و چهاردهم به ترتیب درباره ورشکستگی اشخاص حقیقی با درآمد معین سالانه و ورشکستگی شرکت هایی که دارای فعالیت خارج از مرزهای آمریکا هستند، بحث می کند.^۲ بنابراین، در نظام حقوقی آمریکا برای تحقق ورشکستگی اشتغال مدیون به تجارت شرط نیست. گفتنی است که ماده ۱۰۹ قانون ورشکستگی فدرال آمریکا (مصوب ۱۸۹۸)، نهادهایی را از این قانون استثنا کرده است که عبارت اند از: بانکها، شرکت های بیمه داخلی و خارجی، مؤسسه های سرمایه گذاری و شرکت راه آهن. بنابراین، در این کشور اگر بانکی ورشکست گردد، به طور کامل از قانون ورشکستگی فدرال آمریکا استثناست و قانون شرکت بیمه سپرده فدرال و اصلاحات آن و همچنین قانون داد - فرانک مصوب ۲۰۱۰ که در باب دوازدهم مجموعه قوانین آمریکا با عنوان «بانکها و

1. Benton E. Gup, *Bank Failures in the Major Trading Countries of the world: Causes and Remedies* (London: Westport, Connecticut, 1988): 12-13.

2. Federal bankruptcy act 1898.

تحلیل مفهوم و معیارهای توقف بانک‌ها در حقوق آمریکا و ایران / شیروانی و عیسائی تفرشی ۶۳

بانکداری» ذکر شده‌اند، حاکم است. «باید توجه داشت که پیش از تصویب قانون داد - فرانک (۲۰۱۰)، اگر شرکت بانکی مادر یا شرکت مالی مادر^۱ ورشکست می‌گردید، طبق قانون ورشکستگی فدرال آمریکا (۱۸۹۸) به ورشکستگی آن در دادگاه‌های فدرال رسیدگی می‌شد»^۲.

«در سال ۲۰۱۰ با تصویب قانون داد-فرانک، این مقررات تغییر کردند. بخش دوم قانون داد-فرانک یک چهارچوب حل و فصل (گزیر) جایگزین را به وسیله مقام تصفیه موقت^۳ پیش‌بینی کرد. مقام یادشده دامنه اختیارات شرکت بیمه سپرده فدرال را به‌عنوان مقام مدیریت تصفیه گسترش داد و تصفیه مؤسسه‌های مالی مهم زنجیره‌ای را هم تحت نظارت شرکت مذکور قرار داد که این اختیارات شبیه همان اختیارات شرکت مذکور درباره بانک‌ها بیمه شده است و فرایندی را برای رسیدگی سریع و مؤثر جهت تصفیه مؤسسه‌های مالی بزرگ و پیچیده که ورشکست شده‌اند، فراهم کرد. بنابراین، رسیدگی به ورشکستگی شرکت‌های بانکی مادر هم از سال ۲۰۱۰ با شرکت بیمه سپرده فدرال است»^۴.

«شایان ذکر است که شرکت‌های بانکی مادر نوعی از مالکیت بانک‌ها هستند و جایگزینی برای اشخاصی که قصد دارند به‌طور مستقیم صاحب سهام بانک شوند، محسوب می‌شوند. قانون شرکت بانکی مادر^۵ در سال ۱۹۵۶ تصویب شد و اصلاحات این قانون در سال ۱۹۷۰، هر شرکتی را که کنترل بیش از یک بانک را در دست داشته باشد، به‌عنوان شرکت مادر تخصصی بانکی تعریف کرد. در صورتی گفته می‌شود شرکتی کنترل یک بانک را در دست گرفته است که: الف. به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم مالک بانک باشد یا آن را کنترل کند و ب. به هر روشی، انتخابات اکثریت مدیران بانک را کنترل کند. هم‌اکنون، حدود ۸۴٪ از بانک‌های تجاری آمریکا بخشی از ساختار

۱. Financial holding companies: شکلی جدید از شرکت‌های بانکی مادر هستند که امکان تشکیل آن‌ها پس از تصویب قانون گرام - لچ بلیلی در سال ۱۹۹۹ به وجود آمد. از این سال، شرکت‌های بانکی مادر توانستند به شرکت‌های مالی مادر تبدیل شوند. این شرکت‌ها اجازه داشتند بانک‌های تجاری، بانک‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های بیمه را تحت مالکیت خود درآورند، ولی نمی‌توانستند سهام بنگاه‌های غیر مالی را خریداری کنند. نظارت بر شرکت‌های مالی به این نحو بود که شرکت‌های بیمه زیر نظر سازمان تجارت و صنعت، بانک‌ها زیر نظر فدرال رزرو و بانک‌های سرمایه‌گذاری تحت کنترل کمیته اوراق بهادار و بورس بودند. در مقام مقایسه، شرکت‌های سنتی بانکی مادر با شرکت‌های مالی مادر، می‌توان گفت که شرکت‌های اخیر ممکن است نهایت استفاده را از وابستگی میان بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و بنگاه‌های اوراق بهادار به عمل آورند؛ به‌گونه‌ای که این شرکت‌ها می‌توانند فعالیتشان را با یک مجموعه استانداردهای قانون‌گذاری ادامه دهند. از مهم‌ترین شرکت‌های مالی مادر در آمریکا می‌توان به بانک آمریکا، سیتی گروپ و جی بی مورگان اشاره کرد.

2. Stanly V Ragalevsky, Sarah J. Ricardi, "Anatomy of a Bank Failure", *Banking Law Journal*, (2009): 870.

3. Orderly Liquidation Authority.

4. Silvia Merler, "Varieties of Banking Union: Resolution Regimes and backstop in Europe and the US", *Istituto Affari Internazionale Papers* 18 | 21, (2018): 3-4.

5. Bank holding company act 1956.

شرکت‌های مادر تخصصی بانکی هستند. بیش از ۷۵٪ از بانک‌های کوچک با دارایی کم‌تر از صد میلیون دلار در مالکیت این شرکت‌ها هستند^۱.

۱-۲. حقوق ایران

۱-۲-۱. مفهوم توقف بانک‌ها

در حقوق ایران، در خصوص ورشکستگی بانک‌ها، برخی از قوانین و مقررات به‌طور ویژه به موضوع ورشکستگی این مؤسسه‌ها اشاره کرده‌اند. قانون پولی و بانکی کشور (۱۳۵۱/۴/۱۸) نیز فصلی را به ورشکستگی و انحلال بانک‌ها اختصاص داده است، اما به‌طور بسیار مختصر از آن عبور کرده و تعریفی از توقف بانک‌ها هم ارائه نداده است. ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شرایط نحوه تشکیل، سهامداری و تملک مؤسسه‌های مالی و اعتباری را بیان کرده است. آیین‌نامه اجرایی این ماده در سال ۱۳۹۳ از سوی بانک مرکزی تنظیم شد و پس از تأیید شورای پول و اعتبار و تصویب هیئت‌وزیران، برای اجرا به وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و سازمان برنامه‌و بودجه ابلاغ شد. مطابق بند ۳ این آیین‌نامه، «در صورت ورشکستگی مؤسسه اعتباری، تصفیه آن با نظارت بانک مرکزی و بر اساس قانون پولی و بانکی کشور، مقررات ناظر بر ورشکستگی در قانون تجارت و ضوابط صندوق ضمانت سپرده‌ها انجام می‌شود». مشاهده می‌شود که هرچند قانون‌گذار در این بند به‌طور مستقیم از ورشکستگی مؤسسه اعتباری بحث کرده است، با این حال مقرراتی خاص در این زمینه بیان نکرده و ورشکستگی و به تبع آن تعریف توقف را به قوانین مادر ارجاع داده است. بنابراین، قانون‌گذار در قوانین یادشده با ارجاع مواد ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری به قانون تجارت، تفکیکی بین تعریف توقف بانک‌ها و دیگر شرکت‌های تجاری قائل نشده است.

قانون‌گذار در مواد ۴۱۲ و ۴۱۳ قانون تجارت (۱۳۱۱/۱۲/۱۳) از اصطلاح «توقف پرداخت‌ها» بدون ارائه تعریفی دقیق از آن‌ها استفاده کرده که همین امر باعث شده است بین حقوقدانان و رویه قضایی اختلاف نظر ایجاد شود.^۲ به‌طور خلاصه، می‌توان گفت گروهی از حقوقدانان عقیده دارند به‌صرف عدم پرداخت دین باید حکم ورشکستگی تاجر صادر شود؛ به این بیان که: «تاجری که دین خود را نمی‌پردازد، گرچه دارایی او کفاف پرداخت دیونش را هم بدهد، مشمول مقررات

1. Tatiana V Tkachenko, "Legal Status of Bank Holding Companies (BHCs): US and European Bankruptcy Issues", *Norton Journal of Bankruptcy law and practice* 19, no.5 (2010): 573.

۲. محمد عیسائی نفرشی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۱، چاپ سوم، (تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۶)، ۲۰۷-۲۱۵.

ورشکستگی می‌گردد. بنابراین، توقف از تأدیه بدهی وقتی حاصل می‌شود که تاجر از پرداخت بدهی خودداری کند^۱ برخی دیگر باورمندند: «آیین تصفیه جمعی که آیین خاص ورشکستگی است و طلبکاران را از هرگونه تعقیب شخصی و اقامه دعوی باز می‌دارد، مستلزم آن است که وضع مالی تاجر به حدی پریشان باشد که محرومیت طلبکار را از تعقیبات فردی توجیه کند، وگرنه اگر دارایی تاجر کفاف پرداخت دیون او را بدهد، دلیلی برای شروع چنین آیینی (تصفیه جمعی) وجود نخواهد داشت»^۲.

به‌هرحال، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه مطابق اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد، ضروری است مفهوم «توقف از تأدیه بدهی» در حقوق فعلی ایران با مفهوم آن در فقه امامیه سازگار شود. در فقه امامیه، یکی از شرایط صدور حکم حجر و ممنوعیت مدیون از تصرف در اموالش، عدم کفایت دارایی او برای پرداخت دیون حال اوست؛ یعنی دارایی مدیون کم‌تر از دیون حال او باشد. به بیان دیگر، در فقه امامیه «توقف از تأدیه بدهی» عبارت است از عدم کفایت دارایی شخص برای پرداخت دیونش و چون بین تاجر و غیر تاجر تفکیکی نشده، بین دین تجاری و دین مدنی تفکیک وجود ندارد و مقررات افلاس عام بوده، بر همه افراد حاکم است. بدین ترتیب باید گفته شود: در حقوق فعلی ایران، وقفه از تأدیه بدهی تاجر عبارت است از صرف عدم پرداخت دین حال توسط تاجر. با پذیرش این مفهوم، می‌توان گفت که چنانچه عدم پرداخت مذکور به دلیل عدم کفایت دارایی تاجر یا عجز از پرداخت باشد، صدور حکم ورشکستگی چنین تاجری با مبانی فقهی یادشده سازگار است و اگر عدم پرداخت دین حال از سوی تاجر به دلیلی غیرموجه باشد، حفظ حقوق طلبکاران ایجاب می‌کند که حکم ورشکستگی چنین تاجری نیز صادر گردد و به نظر نمی‌رسد چنین موردی مغایر با موازین فقه شیعه باشد. در هر حال، می‌توان گفت چنانچه تاجری که تقاضای صدور حکم ورشکستگی او از دادگاه صالح شده است، تا زمان صدور حکم ورشکستگی، بدهی حال خود را پردازد، منطقی است که حکم ورشکستگی وی صادر نگردد.^۳

به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت‌های بنیادین بانک‌ها با دیگر شرکت‌های تجاری، تعریف‌هایی که حقوقدان‌ها به منظور تفسیر اراده قانون‌گذار از مفهوم «توقف» تاجر ارائه داده‌اند، برای اعمال درباره ورشکستگی بانک‌ها مناسب نباشد. به همین دلیل در قسمت بعد معیارهای توقف بانک

۱. عبدالحمید اعظمی زنگنه، حقوق بازرگانی (درس و تقریرات)، به سعی و اهتمام سهراب امینیان، چاپ سوم، (بی‌جا، ۱۳۵۱)، ۳۲۲؛ حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، جلد ۴، چاپ هجدهم، (تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱)، ۱۱۵.
۲. آذر کیوان آذری، «وقفه در پرداخت دیون»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۹، (۱۳۵۶): ۵.
۳. محمد عیسائی تفرشی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، ۲۱۷-۲۱۸.

که در حقوق آمریکا و ایران استفاده می‌شود، بررسی می‌گردد. ضروری است قانون‌گذار در اصلاحات قانون پولی و بانکی کشور تعریفی دقیق از توقف بانک‌ها ارائه دهد؛ چراکه وجود تعریفی دقیق از توقف بانک افزون بر اینکه به بانک مرکزی امکان لازم را برای تصمیم‌گیری در خصوص خروج بانک‌های ناکارآمد از نظام مالی کشور می‌دهد، می‌تواند با نظارت دقیق و کمک‌های پیشگیرانه از بروز خطرهای زنجیره‌ای هم جلوگیری و درنهایت، سلامت اقتصاد کشور را تضمین کند.

۲-۱. قانون حاکم بر توقف بانک‌ها

در حقوق ایران، مقررات ورشکستگی گفته‌شده در قانون تجارت درباره تاجران اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی و دیگر اشخاص حقوقی غیر تاجر اجرا می‌شود. بر اساس مواد ۱ و ۲ قانون یادشده، بانک‌ها هم تاجر محسوب می‌شوند؛ چراکه بر اساس ماده ۱ قانون تجارت، تاجر شخصی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار داده است و بر اساس بند ۷ ماده ۲ قانون تجارت هر قسم عملیات صرافی و بانکی در زمره عملیات تجاری قرار می‌گیرد. همچنین، بر اساس ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (۱۳۴۷ / ۱۲ / ۲۴)، شرکت سهامی حتی اگر موضوع فعالیت آن تجاری نباشد، در شمار شرکت تجاری قرار می‌گیرد و چون بانک‌ها بر اساس بند (الف) ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور، ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی و ماده ۶ آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری غیر دولتی (۱۳۸۸ / ۸ / ۱۲) شورای پول و اعتبار باید در قالب شرکت سهامی عام یا شرکت تعاونی سهامی عام تشکیل شوند، تاجر هستند و بند (۳) ماده ۱۹۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، یکی از علل انحلال و تصفیه شرکت سهامی را ورشکستگی برشمرده است و همین لایحه قانونی در ماده ۲۰۰ مقرر می‌دارد: «انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است». بنابراین، در مواردی که قانون پولی و بانکی کشور ساکت است، مواد ۴۱۲ به بعد قانون تجارت درباره ورشکستگی بانک‌ها حاکم است.

۲. معیارهای توقف بانک‌ها

«معیار توقف تعیین می‌کند که چگونه و چه زمانی مدیون از پرداخت دیونش ناتوان است و باید وارد فرایند ورشکستگی گردد. بر اساس حقوق ورشکستگی غالب کشورهای، توقف بر مبنای دو معیار سنجیده می‌شود: ۱. آزمون ترازنامه و ۲. آزمون جریان نقدینگی. در خصوص ورشکستگی بانک‌ها هر دو آزمون را می‌توان مورد استفاده قرار داد. در برخی از کشورها، از جمله ایالات متحده

تحلیل مفهوم و معیارهای توقف بانک‌ها در حقوق آمریکا و ایران / شیروانی و عیسائی تفرشی ۶۷

آمریکا از روش سومی هم برای اعلام توقف بانک استفاده می‌شود که عبارت است از: «توقف قانونی».^۱ به همین دلیل، افراد محقق در این حوزه، این سه معیار را برای توقف بانک بیان کرده‌اند،^۲ اما در این تحقیق به پیروی از برخی نویسندگان،^۳ سعی بر این است این تقسیم‌بندی به شیوه‌ای دیگر ارائه گردد که به نظر می‌رسد جامع‌تر است. براین اساس، می‌توان معیارهای توقف بانک را به‌طور کلی به دو معیار کمی و کیفی تقسیم کرد. در ادامه هر یک از این معیارها را در نظام حقوقی آمریکا و ایران بررسی می‌کنیم.

۲-۱. معیار کمی^۴

در معیار کمی، به بررسی توقف بانک بر اساس ترازنامه و جریان نقدینگی یا وجوه و الزامات سرمایه پرداخته می‌شود. در ادامه، هر یک از این موارد نخست در حقوق آمریکا و سپس در حقوق ایران بررسی می‌شود.

۲-۱-۱. توقف بانک بر اساس ترازنامه^۵

۲-۱-۱-۱. حقوق آمریکا

توقف ترازنامه‌ای به حالتی گفته می‌شود که شخص یا شرکت تجاری دارایی کافی برای پرداخت دیون خود نداشته باشد و در چنین حالتی، شخص یادشده وارد مرحله ورشکستگی می‌شود. در حقیقت، توقف ترازنامه‌ای زمانی ایجاد می‌شود که شخص بدهکار مسئولیتی مازاد بر دارایی‌های خود داشته باشد. معیار آزمون ترازنامه بیان می‌کند که آیا ترازنامه بانک میزان دیون و تعهدات شرکت را بیش‌تر از دارایی شرکت نشان می‌دهد یا خیر^۶ که در حقوق آمریکا، یکی از معیارهای تعیین توقف بانک برشمرده می‌شود. «همچنین، بر اساس ماده ۳۰۲ قانون داد - فرانک وال استریت مصوب ۲۰۱۰، مؤسسه مالی در صورتی ورشکست یا رو به ورشکستگی اعلام می‌شود که دارایی مؤسسه از دیونی که به طلبکاران یا دیگر ذی‌نفعان دارد، کم‌تر باشد»^۸.

1. Regulatory insolvency.

2. Zhang, *A comparative analysis of application of bank insolvency*, 307.

۳. جمال‌الدین کریم‌زاده، حسن رضازاده و بهروز مجدزاده، «بررسی مبانی مفهومی ورشکستگی بانک‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، شماره ۷، (۱۳۹۵): ۲۴۴.

4. Tomas Ambrasas, "Bank resolution regime. Balancing private and public interests. A comparative analysis" (Phd Diss., Univeresity of Basel, 2015), 148-160.

5. Quantitative Criteria.

6. Bank balance sheet or overindebtedness test.

7. Zhang, *A comparative analysis of application of bank insolvency*, 307-308.

8. Ambrasas, *Bank resolution regime. Balancing private and public interests. A comparative analysis*, 153.

تمرکز آزمون ترازنامه در نسبت بدهی، میزان دارایی بدهکار است. بنابراین، کارشناس هنگام محاسبه میزان بدهی، تنها دارایی مدیون را مدنظر قرار می‌دهد و به عوامل اعتباری، توانایی بازپرداخت دیون در آینده و ... توجه نمی‌کند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که آزمون ترازنامه معیاری سخت‌گیرانه‌تر از آزمون جریان نقدینگی است؛ زیرا هدف آن جلوگیری از افزایش بدهی شرکت به‌طور نادرست بوده که ممکن است به منافع طلبکاران و نظم اقتصاد بازار آسیب برساند. زمانی که ترازنامه شرکتی، حجم بالایی از بدهی‌های شرکت را نشان دهد، این امر تهدیدی برای طلبکاران شرکت محسوب می‌شود و ناامنی نظم گردش بازار را تشدید می‌کند؛ زیرا اموال شرکت تضمین و مبنای بازپرداخت بدهی‌های طلبکاران شرکت است.^۱

۲-۱-۱-۲. حقوق ایران

«یک بانک در صورتی از لحاظ ترازنامه ورشکسته است که دیون آن از دارایی‌هایش بیش‌تر باشد. این امر در وضعیتی رخ می‌دهد که نه تنها بانک الزامات مقرراتی مربوط به کفایت سرمایه را رعایت نکرده باشد، بلکه حتی سرمایه‌های منفی نیز نگهداری کرده باشد»^۲. در ماده ۴۱۲ قانون تجارت ۱۳۱۱ آمده است: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست، حاصل می‌شود». قانون‌گذار در این ماده منظور خود از توقف را بیان نکرده و همان‌طور که گذشت، باعث ایجاد اختلاف بین حقوق‌دانان‌ها و رویه قضایی شده است. اگر دادگاه از نظری پیروی کند که بر اساس آن برای صدور حکم ورشکستگی باید مجموع دیون بدهکار از مجموع دارایی‌هایش پیشی بگیرد و دارایی‌های خالص آن منفی شود، در این صورت معیار ترازنامه در نظر گرفته شده است. بنابراین، صرف عدم پرداخت دین از سوی بدهکار لزوماً به معنی ورشکستگی او نیست و وضعیت ترازنامه آن در طولانی مدت تعیین‌کننده ورشکستگی خواهد بود.

۲-۱-۲. توقف بر اساس جریان نقدینگی^۳

۲-۱-۲-۱. حقوق آمریکا

«نقدینگی ظرفیت یک بانک برای تأمین وجه، افزایش مقدار و ارزش دارایی‌ها و ایفای تعهدات نقدی و وثیقه‌ای مورد انتظار و غیرمنتظره با هزینه‌ای معقول بدون وارد آمدن هرگونه خسارت غیرقابل قبول است. خطر نقدینگی ناتوانی بانک در ایفای تعهدات حال شده، بدون اثرگذاری معکوس بر وضعیت مالی بانک محسوب می‌شود»^۴.

1. Zhang, *A comparative analysis of application of bank insolvency*, 307-308.

۲. کریم‌زاده و دیگران، «بررسی مبانی مفهومی ورشکستگی بانک‌ها»، ۴۲.

3. Cash flow or liquidity test.

4. Jim Armstrong, "Liquidity Risk at Banks: Trends and Lessons Learned from the Recent Turmoil", *Policy and infrastructure developments banks of Canada, Financial system review*, (December 2008): 47.

آزمون جریان نقدینگی میزان نقدینگی را اندازه‌گیری می‌کند. هدف آزمون این است که مشخص شود آیا مدیون قادر به ادای دیونش هنگام مطالبه طلبکاران هست؟ بر اساس این معیار، شرکتی ورشکست برشمرده می‌شود که قادر نیست با دارایی‌های موجود خود، مطالبات طلبکاران را پرداخت کند و یا به واسطه اعتبار و ظرفیت فنی‌اش ادای دیونش را برای مهلتی مناسب تمدید کند.^۱ «در ایالات متحده آمریکا، به‌منظور تعیین اینکه آیا یک بانک متوقف است یا در آینده‌ای نزدیک متوقف خواهد شد، این معیار باید در نظر گرفته شود که آیا بانک می‌تواند تعهداتش را در زمان‌های معمولی تجاری بانکی ایفا کند یا نمی‌تواند»^۲. البته باید میان توقف جریان نقدینگی با کمبود موقت نقدینگی تفاوت گذاشت. ممکن است کمبود موقت نقدینگی بر اثر سرمایه‌گذاری منابع بانک در بازارهای مالی ایجاد شود که در طولانی‌مدت بازدهی دارد و بانک در مقطعی با کمبود نقدینگی روبه‌رو می‌شود. «درباره بانک‌ها عدم توانایی در پرداخت بدهی‌ها الزاماً نشان‌دهنده توقف و در نتیجه، ورشکستگی بانک نیست و ممکن است ناشی از کمبود موقت نقدینگی^۳ باشد (که به‌خودی‌خود ممکن است نقض الزامات قانونی نقدینگی را نشان دهد و یک شاخص نخستین برای تشخیص مشکلات مالی باشد)»^۴.

«وام‌دهنده نهایی یا آخرین وام‌دهنده^۵ روشی برای کمک به بانک‌هایی است که دچار کمبود موقت نقدینگی می‌شوند. در این روش، فدرال رزرو به بانک مشکل‌دار وجوه نقد تزریق می‌کند و به همان اندازه اموال بانک را به رهن خود درمی‌آورد»^۶.

نظام بانکی ایالات متحده آمریکا از این روش به‌ندرت استفاده می‌کند و قانون داد – فرانک وال استریت مصوب ۲۰۱۰ اختیارات فدرال رزرو برای دادن وام به مؤسسه‌های مالی را به‌ویژه برای مؤسسه‌های اعتباری مهم بسیار محدود کرد.

«باید در نظر داشت تنظیم‌گران به‌سختی می‌توانند تفاوت بین کمبود موقت نقدینگی با توقف بر اساس جریان نقدینگی را تشخیص دهند»^۷؛ برای مثال بانک سرمایه‌گذاری

1. Zhang, *A comparative analysis of application of bank insolvency*, 307-308.

2. Tomas Ambrasas, *Bank resolution regime. Balancing private and public interests. A comparative analysis*, 155.

3. Temporary shortage.

4. Eva H G Hüpkes, "Insolvency – why a special regime for banks? Forthcoming in current developments in monetary and financial law" 3, *International Monetary Fund*, Washington DC, (2003):10.

5. Lender of the Last Restore.

6. Steven A. Holland, Mark Toma, "The Role of the Federal Reserve as Lender of Last Resort and the Seasonal Fluctuation of Interest Rates", *Journal of Money, Credit and Banking* 23, no. 4, (1991): 560.

7. Marc Dobler, Simon Gray, Diarmuid Murphy, and Bozena Radzewicz-Bak, "The Lender of Last Resort Function after the Global Financial Crisis", *IMF Working Paper*, (2016): 26.

بیر استرنز^۱ که در یکم ماه می سال ۱۹۳۳ در نیویورک تأسیس و در سال ۲۰۰۸ ورشکست شد، از مواردی است که مشخص نشد بانک به راستی ورشکست بود یا دچار کمبود موقت نقدینگی شده بود. در ۱۴ مارس ۲۰۰۸ بانک فدرال رزرو نیویورک موافقت کرد که مبلغ ۲۵ میلیارد دلار برای نجات بیر استرنز وام بدهد تا به این وسیله نقدینگی مورد نیاز آن فراهم گردد. بلافاصله پس از آن، فدرال رزرو تغییر عقیده داد و به بیر استرنز اطلاع داد که وام برایش فراهم نمی‌شود. در تاریخ ۱۶ مارس ۲۰۰۸ بیر استرنز موافقت‌نامه ادغام با بانک جی بی مورگان چیس را منعقد کرد و به بانک یادشده فروخته شد.^۲

۲-۱-۲. حقوق ایران

کمبود منابع نقدی کافی برای پاسخگویی به تقاضای مشتریان بانکی و به دنبال آن هجوم بانکی و خروج ناگهانی و غیرمنتظره سپرده‌ها از بانک به مشکلات ورشکستگی و زیان بانک می‌انجامد. «یک بانک در صورتی به لحاظ جریان وجوه یا نقدینگی ورشکست است که نتواند تعهداتش را در جریان عادی کسب و کارش ایفا کند. در واقع، ممکن است یک بانک دارایی مثبت داشته باشد؛ یعنی ترازنامه آن نشان دهد که دارایی‌های بانک بیش‌تر از تعهداتش است، اما قادر نباشد که مطالبات طلبکارانش را ایفا کند؛ چراکه در نقدینگی با مشکل برخورد کرده است»^۳. در حقیقت، بحران نقدینگی یا توقف نقدینگی زمانی ایجاد می‌شود که بانک با پدیده هجوم سپرده‌گذاران مواجه شود. به نظر می‌رسد هر چند قانون‌گذار در ماده ۳۹ قانون پولی و بانکی کشور به توقف فعالیت بانک به دلایلی غیر از ورشکستگی اشاره کرده است، اما بند (ه) ماده یادشده که مقرر می‌دارد: «در صورتی که قدرت پرداخت بانکی به خطر افتد یا سلب شود»، اشاره بر این دارد که بانک با مشکل نقدینگی مواجه شده است که این مشکل فراتر از کمبود نقدینگی است؛ چراکه توقف جریان نقدینگی یا فقدان بلندمدت نقدینگی با فقدان موقت نقدینگی یا کمبود نقدینگی متفاوت است. در تعریف خطر نقدینگی گفته شده است: «عدم ایفای بهنگام تعهدات به دلیل کمبود و عدم اطمینان در میزان نقدینگی بانک را ریسک نقدینگی می‌گویند»^۴. بانک‌ها منابع را از محل سپرده‌ها جمع‌آوری می‌کنند که سررسیدهای کوتاه‌مدت دارند و سپس وام‌های بلندمدت را از محل این سپرده‌ها اعطا می‌کنند و همین عدم تطابق زمانی بین سررسید دارایی‌ها و بدهی‌های بانک باعث ایجاد خطر نقدینگی می‌شود که با توجه به ماهیت فعالیت بانک امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، کمبود موقت نقدینگی با بحران نقدینگی

1. Bear Stearns.

2. Frederic S Mishkin, "Over the Cliff: From the Subprime to the Global Financial Crisis", *Journal of Economic Perspectives* 25, no. 1, (Winter 2011), 49-70.

۳. کریم‌زاده و دیگران، «بررسی مبانی مفهومی ورشکستگی بانک‌ها»، ۲۶۵.

۴. حمید برهانی، «آثار بحران‌های مالی و اقتصادی بر ریسک‌های مختلف بانکی»، مجموعه مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی، به کوشش: مرتضی الله داد، ۹۸. تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۸۸.

تحلیل مفهوم و معیارهای توقف بانک‌ها در حقوق آمریکا و ایران / شیروانی و عیسائی تفرشی ۷۱

در طولانی مدت متفاوت است و کمبود موقت نقدینگی به توقف بانک منجر نمی‌شود. به بیان دیگر، بانک مشکل نقدینگی دارد، اما از جهت ترازنامه و دیگر منابع مالی قدرت پرداختش در طولانی مدت سلب نشده و این عدم قدرت پرداخت موقتی و گذراست و این امر را ناظران بانک تشخیص می‌دهند که بانک سالم، اما فاقد نقدینگی است. در واقع، بانک‌ها به دلیل ایفای نقش‌هایی همچون ردوبدل زیاد نقدینگی و خاصیت نقدشوندگی سپرده‌ها ممکن است در بازه‌های زمانی مختلف با مشکل نقدینگی مواجه شوند و بنابراین، کمبود نقدینگی زودگذر و عدم ایفای برخی تعهدات به هیچ وجه نباید به عنوان معیاری برای توقف و ورشکستگی بانک در نظر گرفته شود.

گفتنی است که شورای پول و اعتبار به منظور حصول اطمینان از دسترسی مؤسسه اعتباری به سطح مناسب نقدینگی برای ایفای بهنگام تعهدات، محافظت از حقوق سپرده‌گذاران و کنترل و کاهش ریسک نقدینگی و در اجرای بند (۲) ماده ۱۴ و بند (ب) ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور «آیین‌نامه حداقل الزامات مدیریت ریسک نقدینگی مؤسسات اعتباری» را در یک هزار و دویست و سی و نهمین جلسه خود، در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲۵ به تصویب رساند. بند ۶ ماده ۱ این آیین‌نامه، در تعریف نقدینگی مقرر می‌دارد: «توانایی مؤسسه اعتباری در تأمین دارایی‌های نقد باکیفیت برای پرداخت بدهی‌ها، ایفای تعهدات و افزایش دارایی‌ها». همچنین، بند ۷ همین ماده دارایی‌های نقد باکیفیت را این گونه تعریف می‌کند: «وجه نقد و دیگر دارایی‌های مؤسسه اعتباری که با سرعت، سهولت و حداقل هزینه ممکن قابل تبدیل به وجه نقد باشد».

بند ۹ ماده ۱ همین آیین‌نامه در تعریف ریسک نقدینگی مقرر می‌دارد: «احتمال عدم توانایی مؤسسه اعتباری در تأمین دارایی‌های نقد باکیفیت برای پرداخت بدهی‌ها، ایفای تعهدات و افزایش دارایی‌ها». مؤسسه اعتباری برای سنجش میزان توانگری در جریان نقدینگی خود، از آزمونی به نام (آزمون بحران) استفاده می‌کند. بند ۱۹ ماده ۱ آیین‌نامه یادشده، آزمون بحران را به این گونه تعریف کرده است: «یکی از ابزارهای مدیریت ریسک است که دربرگیرنده مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای ارزیابی میزان آسیب‌پذیری یک مؤسسه اعتباری در شرایط بحرانی استثنایی، اما محتمل است».

بر اساس ماده ۳ همین آیین‌نامه، مؤسسه اعتباری موظف است چهارچوب مدیریت ریسک نقدینگی خود حداقل مشتمل بر راهبردها، ساختار سازمانی و مقررات داخلی را حداکثر در مقاطع زمانی سالانه افشا نماید. افزون بر این، ماده ۷ آیین‌نامه یادشده مؤسسه اعتباری را موظف کرده است برای رویارویی با شرایط بحرانی برنامه احتیاطی مناسبی تدوین نماید.

به هر حال، اگر بانکی با کمبود نقدینگی روبه‌رو شود، بانک مرکزی از طریق اعطای تسهیلات، به آن بانک نقدینگی تزریق می‌کند که البته در نقد این ابزار بانک مرکزی گفته شده است: «با توجه

به تأمین نیازهای نقدی فوری و همچنین کوتاه‌مدت بانک‌های دولتی در ایران از سوی بانک مرکزی، این بانک‌ها دستخوش ریسک نقدینگی و خطر هجوم سپرده‌گذاران نمی‌شوند، اما همین کانال سهل‌الوصول پول برای سیستم بانکی کشور موجب گردیده است که بانک‌های یادشده از مدیریت صحیح نقدینگی برخوردار نباشند^۱.

۳-۱-۲. توقف بر اساس معیار الزامات سرمایه بانک^۲

الزامات سرمایه بانک عبارت است از حداقل سرمایه‌ای که توسط قانون‌گذار برای تعیین سطوح سلامت بانک تعیین می‌گردد.

۱-۳-۲. حقوق آمریکا

(در حقوق آمریکا در ماده ۱۸۳۱ قانون بانک‌ها و بانکداری، گزینه‌ای برای میزان سرمایه ارائه شده است که بر اساس این گزینه، فرایند ورشکستگی بانک‌ها به‌وسیله ناظران آغاز می‌شود. این گزینه عبارت است از کمبود بحرانی سرمایه؛ درحالی‌که ممکن است ترازنامه بانک توانایی بانک را نشان دهد، وضعیت ارزش ترازنامه ممکن است به‌گونه‌ای باشد که بتوان ورشکستگی بانک را پیش‌بینی کرد)^۳ و (بنابراین، لازم نیست حتماً ورشکستگی بانک بر اساس تعریف سنتی ورشکستگی به‌موجب ارزش دفتری (به این بیان که برای ورشکستگی بانک لازم نیست بر اساس ارزش دفتری، دارایی‌های بانک کمتر از بدهی‌هایش باشد) یا معیار نقدینگی (بانک قادر به پرداخت بدهی‌هایش نباشد) تعیین شود)^۴. (قانون اصلاح شرکت بیمه سپرده فدرال (مصوب ۱۹۹۹) به شرکت بیمه سپرده فدرال اختیار بستن بانکی را که با کمبود بحرانی سرمایه (کمتر از دو درصد سرمایه نسبت به کل دارایی) مواجه شده است، اما بر اساس تعریف سنتی به لحاظ ارزش دفتری و نقدینگی ورشکست نیست و نیز قادر نیست در آینده به شرایط سلامت برسد را اعطا کرد. قانون اصلاح شرکت بیمه سپرده فدرال مقرر می‌دارد که لازم است شرکت بیمه سپرده فدرال ظرف مدت نود روز از ارسال تصمیم اقدام اصلاحی سریع^۵ اگر بانک یادشده قادر نباشد سرمایه‌اش را مجدداً به حدنصاب لازم برساند، بانک را ببندد)^۶.

۱. نوشین اسدی پور، نظارت بر بانک‌ها و شیوه‌های اجرا، چاپ اول، (تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸)، ۱۴۳.

2. Bank capital requirement test.

3. Robert R. Bliss, Georg G. Kaufman, "A comparison of U.S. corporate and bank insolvency resolution, Economic Perspectives", *Federal Reserve Bank of Chicago*, (2006): 9.

4. Ragalevsky, Ricardi, "Anatomy of a Bank Failure", 870.

5. اقدام اصلاحی سریع: مدتی طولانی پیش از اینکه مؤسسه سپرده‌گذاری بیمه‌شده ورشکست گردد و حسب مورد وارد فرایند حفاظت اموال یا تصفیه شود، ناظر بانکی مربوط اختیار درخواست انجام اقدامات اصلاحی سریع از مؤسسه را دارد. اقدامات اصلاحی سریع زمانی آغاز می‌شوند که مؤسسه سپرده‌گذاری بیمه‌شده با کمبود سرمایه مواجه یا مشخص شود که در شرایط عدم سلامت قرار گرفته است و یا در معرض اعمال و اقدامات ناصحیح که سلامت مؤسسه را تهدید می‌کند، قرار گرفته است.

6. Ragalevsky, Ricardi, "Anatomy of a Bank Failure", 870.

تحلیل مفهوم و معیارهای توقف بانک‌ها در حقوق آمریکا و ایران / شیروانی و عیسائی تفرشی ۷۳

۲-۱-۳-۲. حقوق ایران

هر شرکت تجاری برای تأسیس لازم است به میزان تعیین شده قانون، سرمایه اولیه داشته باشد؛ برای مثال بر اساس ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (۱۳۴۷/۱۲/۲۴) در هنگام تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کم‌تر باشد. سرمایه مهم‌ترین عامل تعیین سلامت بانک‌هاست. به همین دلیل نسبت کفایت سرمایه از نسبت‌های اساسی در ارزیابی سلامت مالی بانک‌هاست. در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۹۶ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی نامه شماره ۹۶/۱۱۱۵۹۷ «دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری» را به مدیران شبکه بانکی کشور ابلاغ کرد. این دستورالعمل در یک هزار و دویست و سی و سومین جلسه شورای پول و اعتبار (۱۳۹۶/۳/۲۳) به تصویب رسید و جایگزین آیین‌نامه سرمایه پایه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و آیین‌نامه کفایت سرمایه (بانک‌های دولتی و غیر دولتی) مصوب ۱۳۸۲ شورای پول و اعتبار شد. مطابق ماده ۶ همین دستورالعمل نسبت کفایت سرمایه مؤسسه اعتباری عبارت است از نسبت سرمایه نظارتی به کل دارایی‌های موزون به ریسک که باید حداقل ۸٪ باشد. حداقل درصد نسبت کفایت سرمایه که در این آیین‌نامه برای بانک‌های غیر دولتی ذکر شده ۳٪ است. بند ۳ ماده ۲۴ آیین‌نامه یادشده مقرر می‌دارد: «چنانچه نسبت کفایت سرمایه کم‌تر از ۳٪ شود، هیئت‌مدیره مؤسسه اعتباری موظف است حداکثر ظرف مدت ۹۰ روز کاری اقدام به افزایش سرمایه کند و در غیر این صورت، تشریفات قانونی انحلال مؤسسه را فراهم نماید. همچنین، بانک مرکزی تا زمان ثبت افزایش سرمایه در مراجع ثبتی، باید مؤسسه اعتباری را از انجام یک یا چند مورد از موارد ذیل منع نماید.

۲۴-۳-۱. پرداخت سود به سهامداران بیش از ۱۰٪ سود ویژه سالانه قابل تقسیم مؤسسه اعتباری، پاداش به مدیران و افزایش حقوق کارکنان مؤسسه اعتباری؛

۲۴-۳-۲. دریافت انواع سپرده، عدم اعطای انواع تسهیلات و عدم ایجاد انواع تعهدات؛

۲۴-۳-۳. فعالیت در بازار بین بانکی.

تبصره: در صورتی که مؤسسه اعتباری هیچ‌یک از اقدامات موضوع بند (۳-۲۴) را انجام ندهد، مشمول مفاد ماده ۳۹ قانون پولی و بانکی کشور می‌گردد.

بنابراین، اگر نسبت کفایت سرمایه بانکی به کم‌تر از ۳٪ برسد، نشان‌دهنده وضعیت بحرانی بانک است و براین اساس می‌توان توقف بانک را پیش‌بینی کرد؛ هرچند قانون‌گذار به هیئت‌مدیره

مؤسسه اعتباری نود روز مهلت برای افزایش سرمایه داده است، اما اگر هیئت‌مدیره نتواند طی این مدت سرمایه را افزایش دهد، انحلال مؤسسه را پیش‌بینی کرده است.

همچنین، ماده ۲۵ آیین‌نامه یادشده در خصوص بانک‌های دولتی مقرر می‌دارد: «چنانچه نسبت کفایت سرمایه بانک‌های دولتی در مقطع تهیه صورت‌های مالی، از پنجاه درصد میزان مقرر شورای پول و اعتبار کم‌تر شود، بانک مرکزی موظف است بلافاصله مراتب را به منظور افزایش سرمایه به هیئت‌وزیران گزارش نماید». به نظر می‌رسد با این مقرر امکان ورشکستگی بانک‌های دولتی بسیار کاهش پیدا می‌کند. در حقیقت، می‌توان گفت ورشکستگی شرکت‌های دولتی در عمل غیر ممکن است؛ چراکه در هیچ‌یک از قوانین تأسیس و اساسنامه و دیگر قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی، راجع به ورشکستگی این‌گونه شرکت‌ها تصریحی وجود ندارد؛ هرچند در آغاز امر به نظر می‌رسد ورشکستگی این شرکت‌ها تابع قانون تجارت باشد، ولی با توجه به اینکه طبق قانون محاسبات عمومی کشور (۱۳۶۶) و قوانین بودجه سالانه کل کشور، هر ساله مبلغی به عنوان کمک در بودجه جاری کشور برای جبران عملیات جاری شرکت‌های دولتی منظور می‌شود، می‌توان گفت که ورشکستگی این‌گونه شرکت‌ها در عمل اتفاق نمی‌افتد.^۱

۲-۲. معیار کیفی^۲

در معیار کیفی، همان‌طور که از نامش مشخص است سرمایه بانک لحاظ نمی‌شود، بلکه ناظران بانکی باید معیارهای دیگری غیر از معیار سرمایه را لحاظ کنند. در ادامه، معیار کیفی در حقوق آمریکا و ایران بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. حقوق آمریکا

۲-۲-۱-۱. توقف قانونی

حقوق ورشکستگی شرکت‌ها، به‌طور دقیق معیار توقف شرکت را پیش از فرایند دادرسی تعریف کرده است. آستانه ورشکستگی در حقوق شرکت‌ها زمانی است که شرکت بدهکار بتواند در سررسید، تعهدات حال شده‌اش را ایفا کند.^۳ درباره بانک‌ها، عدم توانایی در پرداخت بدهی‌ها الزاماً نشان‌دهنده توقف و در نتیجه ورشکستگی بانک نیست و ممکن است ناشی از کمبود موقت نقدینگی باشد (که به‌خودی‌خود ممکن است نقض الزامات قانونی نقدینگی را نشان دهد و یک

۱. عیسائی تفرشی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، ۲۲۰-۲۲۱.

2. Qualitative criteria.

3. Hüpkens, "Insolvency – why a special regime for banks?", *Forthcoming in current developments in monetary and financial law* 3, (International Monetary Fund, Washington DC(2003).

شاخص نخستین برای تشخیص مشکلات مالی باشد). بنابراین، مفهوم توقف که در ورشکستگی شرکت‌ها ارائه شده تا حدودی برای بانک‌ها نامطلوب است. از دیگر مواردی که اعمال شاخص‌های توقف شرکت‌ها را برای بانک‌ها با مشکل روبرو می‌سازد این است که بانک‌ها، برخلاف دیگر شرکت‌ها - حتی با داشتن مشکلات مالی - می‌توانند به‌طور مداوم تا چند وقت بدهی‌های خود را بپردازند؛ چراکه بانک‌ها معمولاً منابع مالی مستمری دارند و در مقابل لازم نیست به‌طور مستمر هم تعهداتشان را به سپرده‌گذاران ایفا کنند. از آنجا که وظیفه ناظران بانکی ارزیابی سرمایه‌های بانک و کیفیت دارایی‌های آن است و همچنین تعیین اینکه بانک در چه نقطه‌ای دیگر قادر به ادامه فعالیت نیست و باید بسته شود، می‌توان گفت یک بانک زمانی متوقف است که ناظر بگوید متوقف شده است. بنابراین، توقف نخستین مرحله برای مداخله ناظران نیست. در حقیقت، هنگامی که یک بانک متوقف شود، برای مداخله مؤثر ناظران بانکی خیلی دیر خواهد بود. هدف از مقررات احتیاطی و نظارتی ایجاد اطمینان از وضعیت مالی مناسب بانک است. افزایش زیان‌های مالی، کوتاهی‌های مدیریتی و نقص سامانه‌های داخلی و کنترل‌ها باید ناظر را پیش از اینکه چنین نقاط ضعفی را به وضعیتی تبدیل کند که بانک آسیب ببیند و سپرده‌گذارانش ضرر کنند، وارد مداخله کند. این امر مهم‌ترین دلیل نظارت احتیاطی است. با در نظر گرفتن مشارکت ناظران بانکی در ارزیابی دارایی‌ها و تعیین میزان توانایی بانک در بسیاری از حوزه‌ها، همین قدرت و اختیار ناظران بانکی است که طلبکاران را از مداخله شخصی برای آغاز فرایند ورشکستگی بانک بی‌نیاز می‌کند.^۱ (به همین دلیل است که در حقوق آمریکا، به‌طور گسترده از معیار «توقف قانونی» استفاده می‌شود. این معیار یعنی هنگامی که ناظران بانکی متوجه شوند یک بانک الزامات قانونی خاصی را رعایت نمی‌کند، می‌توانند توقف بانک را تعیین و سپس بلافاصله اقدامات قانونی را اتخاذ کنند).^۲

«تعیین توقف قانونی بر مبنای فرایند اندازه‌گیری سرمایه و ارزیابی خطر است. این امر وظیفه ناظران بانکی است که تعیین کنند آیا زمینه مداخله آن‌ها در امور بانک وجود دارد یا خیر. در این زمینه، عدم انطباق با الزامات توانگری برای ایجاد مداخله‌های نظارتی کفایت می‌کند. مفهوم ورشکستگی قانونی به این دلیل مقرر شده است تا با مداخله زودهنگام ناظران بانکی، زیان‌های غیرقابل اجتناب طلبکاران و سپرده‌گذاران بانک به کم‌ترین میزان خود برسد»^۳.

1. Hüpkas, "Insolvency – why a special regime for banks? Forthcoming in current developments in monetary and financial law", 10.

2. Zhang, "A comparative analysis of application of bank insolvency", 307-308.

3. Eva H.G Hüpkas, "The Legal Aspects of Bank Insolvency: A comparative Analysis of Western Europe, the United States and Canada", *Kluwer Law International*, (2000): 13.

«پس به‌طور خلاصه می‌توان گفت دلیل اصلی تعیین این آزمون برای معیار ورشکستگی یک بانک ساده است. اگر معیار ورشکستگی قانونی را برای بانک‌ها اعمال نکنیم و در نتیجه مقامات ناظر منتظر بمانند تا بانک ورشکست گردد و پس از آن معیار مناسب برای تعیین ورشکستگی بانک را از بین دو معیار "توقف ترازنامه‌ای" و "توقف نقدینگی" انتخاب کنند، اثرات نامطلوب ناتوانی در پرداخت بدهی‌های بانکی تشدید می‌شود و افزون بر این، بانک زمان مناسب برای سازمان‌دهی مجدد مؤثر و موفقیت‌آمیز را از دست خواهد داد. به این ترتیب، توقف قانونی، مداخله زود هنگام ناظران بانکی را تضمین می‌کند و ضرر و زیان ناشی از ورشکستگی بانک را به حداقل می‌رساند. نظام حقوقی آمریکا از جمله نظام‌های پذیرنده این روش برای تعیین ورشکستگی بانک است و از آن استفاده می‌کند»^۱. «این در حالی است که در حقوق ورشکستگی شرکت‌ها چنین پیش‌بینی‌ای برای شروع فرایند ورشکستگی کافی نیست و شرکت حتماً باید در پرداخت دیونش ناتوان باشد و این امر یکی از تفاوت‌های مهم ورشکستگی بانک‌های آمریکا با نظام ورشکستگی شرکت‌هاست»^۲. «ناظران بانکی موظف‌اند به‌طور سریع اقدامات لازم برای بستن بانک مشکل‌دار را انجام دهند»^۳.

«گفتنی است که بیشتر قوانین بانکی اختیارات گسترده‌ای را برای ناظران در راستای تشخیص نقطه بحران بانک و تصمیم‌گیری در خصوص زمان اختلال اعتبار مؤسسه مورد نظر، پیش‌بینی کرده‌اند»^۴.

۲-۲-۱-۲. توقف احتیاطی^۵

«معیار توقف احتیاطی بانک در ایالات متحده آمریکا با تصویب قانون داد-فرانک در سال ۲۰۱۰ گسترش بیشتری پیدا کرد. در سال ۲۰۱۰ قانون داد-فرانک با حمایت از تفسیر وجود یک خطر قصور بالقوه بانک به‌عنوان خطر بالقوه ورشکستگی بانک، مقررات قانونی بسیار گسترده‌تری را آستانه توقف بانک مقرر کرد. با وجود اینکه معیارهای پیشنهادی در این قانون اجازه استفاده از اختیارات گسترده‌تری را در تعیین زمان مناسب برای مداخله ناظران می‌دهد، معیار توقف بانک باید به‌عنوان یک کل پیش از شروع مداخلات مورد بررسی قرار بگیرند. بر اساس بند (ب) ماده ۲۰۳ قانون داد-فرانک یک بانک در صورتی ورشکسته است که شرایط ذیل فراهم باشد:

1. Zhang, "A comparative analysis of application of bank insolvency", 308.
2. Bliss, Kaufman, "A comparison of U.S. corporate and bank insolvency resolution, Economic Perspectives", 9.
3. Ragalevsky, Ricardi, "Anatomy of a Bank Failure", 870.
4. Hüpkkes, "Insolvency – why a special regime for banks? Forthcoming in current developments in monetary and financial law", 10.
5. Discretionary bank insolvency criteria.

تحلیل مفهوم و معیارهای توقف بانک‌ها در حقوق آمریکا و ایران / شیروانی و عیسائی تفرشی ۷۷

الف. فرایند توقف با در نظر گرفتن موقعیت مالی بانک آغاز شده باشد یا احتمالاً به‌زودی آغاز شود؛ به‌گونه‌ای که در قوانین ورشکستگی ایالات‌متحده آمریکا پیش‌بینی شده است.

ب. بانک زیان دیده باشد یا اینکه در آینده‌ی نزدیک ضرر کند؛ به‌گونه‌ای که به همه یا بخش قابل توجهی از سرمایه بانک نیاز داشته باشد و هیچ پیشنهاد منطقی برای جلوگیری از هدر رفتن سرمایه وجود نداشته باشد.

ج. دارایی‌های بانک کم‌تر از دیون بانک به طلبکاران و دیگر اشخاص باشد؛

د. بانک از اجرای تعهداتش ناتوان باشد یا ممکن نباشد، بتواند تعهداتش را در جریان عادی تجارت ایفا کند. در حقیقت، این شرایط بسیار شبیه شرایط یادشده در حقوق عمومی ورشکستگی است که برای آغاز ورشکستگی اجباری مقرر شده است. از دیگر معیارهای مهمی که در این زمینه باید رعایت شود، اینکه پیش از شروع اقدامات اداری دبیر خزانه‌داری باید به این نتیجه برسد که هیچ راه‌حل دیگری برای حل مشکلات مالی وجود ندارد و این امر باعث می‌شود که پیامدهای جدی‌تری برای ثبات مالی سراسر ایالات‌متحده ایجاد شود. همچنین، دبیرخانه باید تعیین کند که جایگزین‌های مناسب دیگری از سوی بخش خصوصی برای حمایت از ضررهای وارد به بانک وجود ندارد. این است که دبیرخانه باید منافع رقابتی دولت، سهامداران و طلبکاران را ارزیابی و تعادل مناسب آن‌ها را تضمین کند.^۱

۲-۲-۲. حقوق ایران

معیار توقف قانونی

افزون بر معیارهایی که بر وضعیت مالی بانک تمرکز می‌کنند، توقف مقرراتی و نظارتی یکی دیگر از انواع توقف بانکی برشمرده می‌شود. این نوع توقف به مقررات قانونی اشاره می‌کند که در آن‌ها تعریف ورشکستگی شامل اموری همچون ناتوانی بانک از اجرای دستورات اجرایی اداری یا ناتوانی از اجرای قوانین و مقررات می‌شود. در حقیقت، این نوع ورشکستگی این امر را به رسمیت می‌شناسد که بانک‌ها در فضایی که به‌شدت به مقررات پایبندند، فعالیت می‌کنند و در صورتی که نخواهند یا نتوانند موازین قانونی و نیز نظارتی را اجرا کنند، نباید بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند.^۲

در خصوص این نوع از ورشکستگی در حقوق ایران می‌توان به بند (د) ماده ۳۹ قانون پولی و بانکی کشور اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «در موارد زیر ممکن است بنا به پیشنهاد رئیس کل بانک

1. Ambrasas, *Bank resolution regime*, 162.

۲. کریم‌زاده و دیگران، «بررسی مبانی مفهومی ورشکستگی بانک‌ها»، ۲۶۵.

مرکزی و تأیید شورای پول و اعتبار و تصویب هیئتی مرکب از نخست‌وزیر^۱ و وزیر امور اقتصادی و دارایی و وزیر دادگستری، اداره امور بانک به بانک مرکزی واگذار شود یا ترتیب دیگری برای اداره بانک داده شود یا اجازه تأسیس بانک لغو شود یا ... (د). در صورتی که بانک برخلاف این قانون و آیین‌نامه‌های متکی بر آن و دستورات بانک مرکزی که به موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های متکی بر آن صادر می‌شود و یا برخلاف اساسنامه مصوب خود عمل نماید...». در این ماده توقف فعالیت یک بانک به دلایلی غیر از ورشکستگی بیان شده است. در واقع، این ماده را می‌توان با مواد ۱۹۹ و ۲۰۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت هم‌تراز دانست؛ زیرا در مواد اخیر، هم موارد انحلال شرکت سهامی قید شده است که به موجب آن انحلال یا قهری است یا به تشخیص مجمع عمومی و بر اساس تصمیم آن صورت می‌گیرد و یا بنا به حکم دادگاه صورت می‌گیرد. به هر حال، به نظر می‌رسد توقفی که در بند (د) ماده ۳۹ قانون پولی و بانکی کشور اشاره شده است، همانند توقف مقرراتی و نظارتی در حقوق آمریکاست.

نتیجه‌گیری

در حقوق آمریکا، ناظران بانکی برخلاف آنچه در حقوق ورشکستگی شرکت‌ها متداول است، ملزم نیستند به این نتیجه برسند که بانک نتواند در سررسید، تعهدات حال شده‌اش را ایفا کند. به همین دلیل، در این کشور به‌طور گسترده از معیار توقف قانونی استفاده می‌کنند. در واقع، مفهوم توقف که در ورشکستگی شرکت‌ها ارائه شده است، برای بانک‌ها مناسب نیست. یکی دیگر از مواردی که اعمال شاخص‌های توقف شرکت‌ها را برای بانک‌ها با مشکل روبرو می‌کند این است که بانک‌ها، برخلاف دیگر شرکت‌ها - حتی با داشتن مشکلات مالی - می‌توانند به‌طور مداوم تا چند وقت بدهی‌های خود را بپردازند؛ زیرا بانک‌ها معمولاً منابع مالی مستمری دارند. از آنجایی که وظیفه ناظران بانکی ارزیابی سرمایه‌های بانک و کیفیت دارایی‌ها و همچنین تعیین این است که در چه نقطه‌ای دیگر قادر به ادامه فعالیت نیست و باید بسته شود، می‌توان گفت یک بانک زمانی متوقف است که ناظر بگوید متوقف شده است. بنابراین، توقف نخستین مرحله برای مداخله ناظران نیست. در حقیقت، هنگامی که یک بانک متوقف شود، برای مداخله مؤثر ناظران بانکی خیلی دیر خواهد بود. هدف از مقررات احتیاطی و نظارتی ایجاد اطمینان از وضعیت مالی مناسب بانک است. افزایش زیان‌های مالی، کوتاهی‌های مدیریتی و نقص سامانه‌های داخلی و کنترل‌ها

۱. به موجب اصل ۱۲۴ قانون اساسی، مصوب همه‌پرسی ۱۳۶۸، مقام نخست‌وزیر حذف و «رئیس‌جمهور برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس‌جمهور با موافقت وی، اداره هیئت‌وزیران و مسئولیت هماهنگی دیگر معاونت‌ها را بر عهده خواهد داشت».

تحلیل مفهوم و معیارهای توقف بانک‌ها در حقوق آمریکا و ایران / شیروانی و عیسائی تفرشی ۷۹

باید ناظر را پیش از اینکه چنین نقاط ضعفی را به وضعیتی تبدیل کند که بانک آسیب ببیند و سپرده‌گذارانش ضرر کنند، وارد مداخله کند. این امر مهم‌ترین دلیل نظارت احتیاطی است. با در نظر گرفتن مشارکت ناظران بانکی در ارزیابی دارایی‌ها و تعیین میزان توانایی بانک در بسیاری از حوزه‌ها، همین قدرت و اختیار ناظران بانکی است که طلبکاران را از مداخله شخصی در آغاز فرایند ورشکستگی بانک بی‌نیاز می‌کند.

در حقوق ایران، در قوانین پولی و بانکی تعریفی دقیق از توقف بانک وجود ندارد و معیاری برای آن ارائه نشده است و قوانین یادشده این مورد را به قانون تجارت ارجاع داده‌اند؛ هرچند در قانون تجارت مفهوم توقف با چالش روبه‌روست، اما حتی ارائه تفسیرهای دقیق از این مفهوم با ورشکستگی بانک‌ها سازگار نیست و علت این امر تفاوت‌های بنیادین بانک‌ها و دیگر شرکت‌های تجاری است. به‌هرحال با توجه به مباحثی که طرح شد، به نظر می‌رسد ارائه هر تعریفی برای توقف و ورشکستگی بانک باید افزون بر کمبود نقدینگی در طولانی‌مدت بر مبنای معیارهای کفایت سرمایه، عدم اجرای قوانین و ... باشد؛ چراکه این امر از تعمیق دیون بانک و شکست زنجیره‌ای نظام بانکی پیشگیری می‌کند. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود که در حقوق ایران نیز مانند حقوق آمریکا، قانون‌گذار معیار توقف قانونی و الزامات سرمایه بانک را گسترش دهد؛ به این صورت که قانون‌گذار به بانک مرکزی به‌عنوان مقام ناظر و تنظیم‌گر این اختیار را بدهد که پیش از اینکه بانک به مرحله توقف از تأدیه دیون برسد، بر اساس دیگر معیارها، از جمله نرخ کفایت سرمایه و عدم اجرای قوانین و مقررات بانک را متوقف اعلام کند. به نظر می‌رسد اعطای این اختیار مغایرتی با اصول و موازین فقه امامیه ندارد.

بنابراین، لازم است در بازنگری قوانین پولی و بانکی مقرر شود اگر ناظران بانک مرکزی به این نتیجه برسند که بانکی از اجرای قوانین و مقررات سرپیچی می‌کند و پس از اخطار بانک مرکزی بازهم قوانین را اجرا نمی‌کند، بانک مرکزی بتواند در خصوص ورشکستگی بانک تصمیم بگیرد. گفتنی است که قانون‌گذار ایران مانند حقوق آمریکا، معیارهایی را برای سرمایه بانک تعیین کرده است؛ چنان‌که بند ۳ ماده ۲۴ دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری مقرر می‌دارد: «چنانچه نسبت کفایت سرمایه کم‌تر از سه درصد شود، هیئت‌مدیره مؤسسه اعتباری موظف است حداکثر ظرف مدت نود روز کاری اقدام به افزایش سرمایه نماید و در غیر این صورت، تشریفات قانونی انحلال مؤسسه را فراهم نماید...». این معیار هم معیاری مناسب است که قانون‌گذار به‌طور صریح، به‌عنوان معیار توقف و ورشکستگی بانک تعیین نماید.

کتابنامه

الف. کتب و مقالات

الف-۱. فارسی

- اسدی پور، نوشین. نظارت بر بانک‌ها و شیوه‌های اجرا، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.
- اعظمی زنگنه، عبدالحمید. حقوق بازرگانی (درس و تقریرات)، به کوشش: سهراب امینیان، چاپ سوم، (بی‌جا)، ۱۳۵۱.
- برهانی، حمید، «آثار بحران‌های مالی و اقتصادی بر ریسک‌های مختلف بانکی»، مجموعه مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی، به کوشش: مرتضی‌الله داد، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۸۸.
- حاجی‌ها، زهره، «سقوط شرکت، علل و مراحل آن، مطالعه سیستم‌های قانونی ورشکستگی در ایران و جهان»، مجله حسابرس، شماره ۲۹، (۱۳۸۴): ۶۴-۷۲.
- ستوده‌تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد ۴، چ هجدهم، تهران: دادگستر، ۱۳۹۱.
- عیسائی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۱.
- کریم‌زاده، جمال‌الدین، حسن رضازاده، و بهروز مجدزاده، «بررسی مبانی مفهومی ورشکستگی بانک‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، شماره ۷، (۱۳۹۵): ۲۶۱-۲۷۷.
- کیوان آذری، آذر، «وقفه در پرداخت دیون»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۱۹، (۱۳۵۶): ص ۱-۴۲.

الف-۲. لاتین

- Ambrasas, Tomas, "Bank resolution regime. Balancing private and public interests. A comparative analysis". PhD diss., Vilnius, Basel University, 2015.
- Armstrong, Jim. "Liquidity Risk at Banks: Trends and Lessons Learned from the Recent Turmoil". *Policy and infrastructure developments banks of Canada, Financial system review*, (December 2008).
- Bliss, Robert R., Georg G. Kaufman. "A comparison of U.S. corporate and bank insolvency resolution, Economic Perspectives". *Federal Reserve Bank of Chicago*. Chicago, (2006).
- Dobler, Marc, Simon Gray. "Diarmuid Murphy, and Bozena Radzewicz-Bak, The Lender of Last Resort Function after the Global Financial Crisis". *IMF Working Paper*, (2016).

- Gup, Benton E. *Bank Failures in the Major Trading Countries of the world: Causes and Remedies*. 1st ed., London: Westport, Connecticut, 1998.
- Holland, A. Steven, Mark Toma. "The Role of the Federal Reserve as "Lender of Last Resort and the Seasonal Fluctuation of Interest Rates". *Journal of Money, Credit and Banking* 23, no. 4 (1991).
- Hüpkes, Eva H.G. "Insolvency – why a special regime for banks? Forthcoming in current developments in monetary and financial law" 3. *International Monetary Fund*, Washington DC, (2003).
- Hüpkes, Eva H.G. "The Legal Aspects of Bank Insolvency: A comparative Analysis of Western Europe, the United States and Canada". *Kluwer Law International*, (2000).
- Kaufman, Georg G. *Bank Failures, Systemic Risk, and Bank Regulation*, in: *Bank Failures in the Major Trading Countries of the world: Causes and Remedies*. Edited by Benton E. Gup, 1st ed., London: Westport, Connecticut, 1998.
- Merler, Silvia. "Varieties of Banking Union: Resolution Regimes and backstop in Europe and the US". *Istituto Affari Internazionali PAPERS* 18 | 21, (2018).
- Mishkin, Frederic S. "Over the Cliff: From the Subprime to the Global Financial Crisis". *Journal of Economic Perspectives* 25, no. 1, (Winter 2011).
- Ragalevsky, Stanly V., Sarah J. Ricardi. "Anatomy of a Bank Failure". *Banking Law Journal*, (2009).
- Tkachenko, Tatiana V. "Legal Status of Bank Holding Companies (BHCs): US and European Bankruptcy Issues". *Norton Journal of Bankruptcy law and practice*, (2010).
- Zhang, Jihong. "A comparative analysis of application of bank insolvency". *Arizona Journal of International & Comparative Law* 33, no. 1, (2016).

